

بیانیه گرد همایی جنبش فراخوان برای رفراندوم
11 تا 13 آذر 1384 (3 تا 4 دسامبر 2005)

جنبش فراخوان رفراندوم در بیانیه پایانی گردهمایی خود ماهیت مترقی، مردمی و دموکرات خود را به روشنی نشان داده است. تاکید بیانیه به تعهد این جنبش سیاسی تحصیل کرده های ایرانی به اصول حقوق بشر و دموکراسی و اراده مستحکم این جنبش به پاسداری و نگهداری از آزادی بنابر تعریف اعلامیه جهانی حقوق بشر بطور کلی شکل رژیم آینده ایران را پس از سرنگونی رژیم دیکتاتوری جمهوری اسلامی معین میکند. رفراندومی که این جنبش پیشنهاد میکند از تراکم افراد معتقد به دیکتاتوری اسلامی، شاهی و کمونیستی جلوگیری میکند و از آغاز با این نیروهای سیاسی که بر تاریخ معاصر ایران حاکم بوده اند آشکارا وارد مبارزه میشود. با وجود برنامه دموکراسی و آزادی بر پایه اعلامیه جهانی حقوق بشر جنبش رفراندوم، مومنان اسلامی سیاسی، درباریان دیکتاتورساز شاهی و کادرهای سازمان های کمونیستی بی شمار نمیتوانند ادعای آزادیخواهی و مردمی بودن را انحصاری کنند و از طرف دیگر ناچار میشوند برای بقای سیاسی خود برنامه های جنبش رفراندوم را بپذیرند و در برنامه سیاسی خود جای دهند که این خود در دراز مدت ماهیت دیکتاتورساز این نیروهای سیاسی را تغییر میدهد که مسئول واقعی ناهنجاری های سیاسی ایران بعد از انقلاب مشروطیت هستند.

بیشتر اصول دوازده گانه جنبش فراخوان پایه های مستحکم یک حکومت دموکراسی و مردمی است که تداوم تاریخی برای رژیم آینده به همراه می آورد. اصل اول جنبش رفراندوم مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی است که در حال حاضر سد بزرگی در برابر برپایی رفراندوم برای رژیم آینده ایران است. رفراندومی که آزاد بودن آن نه تنها باید ضمانت داخلی بلکه باید نظارت جهانی هم داشته باشد. اما از پیش ما میدانیم این رژیم چه ویژه گیهای باید داشته باشد که اصول بعدی این بیانیه است. جنبش فراخوان آرزومندان متعهد میشود که قانون اساسی آینده ایران بر پایه اعلامیه جهانی حقوق انسان باشد و در آن تبعیض در آزادی وجود نداشته باشد. همچنین این قانون اساسی عجلانه نوشته و به رای گذاشته نخواهد شد و فرصت کافی برای اظهار نظر نمایندگان مردم در آن پیش بینی خواهد شد. در اصل چهارم بیانیه اعلان میشود، هدف از این قانون اساسی به رسمیت شناختن قدرت سیاسی قابل تغییر مردم است که ماورای سنتهای دینی، شاهی و حتی ایدیولوژی معین سیاسی است که در یک دولت مسئول در مقابل نمایندگان انتخابی مردم در مجلس متبلور میشود. بیشتر اصول اعلان شده در این بیانیه در قانون اساسی مشروطه ایران وجود داشت مانند: تفکیک قوای سه گانه اجرائی، دادگستری، قانونگذاری، استقلال قوه قضائی و دفاع از تفکیک ناپذیری تمامیت ارضی ایران. اما برسمیت شناختن حقوق ملیت های ایرانی با ویژگی های منطقه ای خود عنصر تازه ای در این بیانیه است.

اصل پنجم بیانیه که میگوید: "جدائی کامل دین و دولت، برابری همه مذاهب، و لغو مذهب رسمی. آزادی همه افراد (مردم ایران) در داشتن هر اعتقادی از جمله اعتقاد مذهبی." این اصلی است انقلابی و مترقی که میخواهد حاکمیت اسلام شیعه بر ایران از 1501 میلادی تا بحال را نابود کند و نوآوری است که ایران برای پیشرفت خود در آینده به نابودی این تبعیض دینی قرون وسطائی احتیاج دارد. جدائی دین و دولت که حتی انقلابیان مشروطیت نتوانستند رسماً آن را اعلان کنند، دشمنان آشکار و پنهانی زیادی برای جنبش رفراندوم بسیج خواهد کرد. جدائی دین و سیاست، روحانیت شیعه را از دخالت در سیاست محروم میکند: رژیم جمهوری اسلامی اولین دشمن آشکار جنبش رفراندوم میباشد، چون نیروی مترقی جنبش سیاسی رفراندوم اصولاً هیچ قانونینی برای روحانیت سیاسی شیعه قائل نیست، بنابراین طیف وسیعی از ملاها که طبقه حاکمه ایران امروز هستند برضد جنبش رفراندوم بسیج خواهند شد. بعد از انقلاب مشروطیت بخشی از درباریان دیکتاتور ساز ملاهای شیعه بودند؛ بین سال های 1320 تا 1332 ملاهای شیعه و حزب الهی ها در کنار مبارزه برای افزایش قدرت سیاسی خود متحد سیاسی درباریان دیکتاتورساز شاهی بودند و تنها نیروئی بودند که قبل از خارج شدن شاه از ایران بطرفداری از شاه و برای ماندن او تظاهرات میکردند. این اتحاد درباریان دیکتاتورساز شاهی و ملاها میتواند در برابر جنبش دموکراسی رفراندوم دوباره تجدید شود. همچنین، اتحاد ملاها، کمونیست ها، حزب الهی ها و جبهه

ملی ها که برضد دولت دمکراسی خواه بختیار تشکیل شد میتواند یک بار دیگر بیشتر پنهانی تا آشکار بر ضد جنبش رفراندم تشکیل شود.

برابری که جنبش برای تمام مردم ایران قائل میشود و آن را بر اساس اعلامیه جهانی حقوق انسان قرار میدهد که شامل برابری جنسی زن و مرد و مذاهب میشود نو آوری مترقی تازه ای است که دادگری ملی را تضمین میکند. اصل عدم تمرکز مدیریت کشور در تهران ریشه در در اعتقاد جنبش به دمکراسی دارد. دمکراسی یعنی حکومت "از مردم، با مردم و برای مردم". دمکراسی از دولت شهر آغاز میشود و به شهرستان، استان و کشور میرسد، تمام این دولت ها باید انتخابی باشند و در خدمت مردمی باشد که آنها را انتخاب کرده اند. برای ایرانیانی که بیش از بیست سال است در اروپا و آمریکا زندگی میکنند این دولت های محلی کاملاً طبیعی هستند و چه بسا خود موقع رای گیری در ورقه رای گیری خود همزمان به نماینده انجمن شهر، شهردار، فرماندار استان، نمایندگان مجلس دولت مرکزی و استان و رئیس جمهور رای داده اند. بنابراین دولت های محلی در سطوح مختلف بزرگترین نشانه برقراری دمکراسی است.

غیر قانونی بودن شکنجه زندانیان انسانیت جامعه را نشان میدهد و ستایش انگیز است. لغو اعدام جنایتکاران معمولی جایش در این بیانیه سیاسی نیست. چنانچه ملتی دولتی قانونمند داشته باشد مبارزه با تروریسم سیاسی وظیفه آن است و قانون گذاری آن در دست مجلس انتخابی قانونگذار است. رژیم جمهوری اسلامی رژیمی است متجاوز به حقوق مردم ایران و همچنین طرح های تجاوزکارانه ای برای خاور میانه و اروپا دارد که برای عملی کردن آن سخت کوشش میکند تا خود را آماده کند. رژیم جمهوری اسلامی رژیمی است مانند آلمان فاشیست و دیر یا زود جنگ خارجی دیگری را آغاز خواهد کرد که طبیعتاً به خاک ایران خواهد کشید و جنبش خود را باید برای آن آماده کند و تحت هیچ شریطی نباید از بقای جمهوری اسلامی دفاع کند که اینکار اثر و اعتبار جنبش را از بین خواهد برد.

Wednesday, January 11, 2006